

مصطفی سلطانی، تهیه‌کننده فیلم «شکار حلزون» قبلا در مقام کارگردان با فیلم «چراغ‌های ناتمام» در جشنواره فیلم فجر حضور داشت. او کارنامه خود سابقه بازیگری و دستیار کارگردانی و همچنین مدیریت طرح و تولید نیز داشته است. این تهیه‌کننده ـ کارگردان، فعالیت حرفه‌ای خود را با مجموعه «لبخند خدا» به‌عنوان دستیار مدیر تولید آغاز کرد. پس از آن به‌عنوان دستیار کارگردان در فیلم سینمایی «سینه سرخ» حضور یافت و با ساخت فیلم کوتاه «آخرین ایستگاه»، در ۲۳ جشنواره بین‌المللی حضور یافت و در هفت جشنواره موفق به دریافت جایزه بهترین کارگردانی شد. او همچنین با کارگردانی فیلم سینمایی چراغ‌های ناتمام به ۱۱ جشنواره بین‌المللی راه یافت و در چهار جشنواره اوراسیا روسیه، نویدا هند، نیوکاسل انگلستان و سالنتو ایتالیا موفق به دریافت جایزه بهترین کارگردانی شد. تهیه‌کنندگی سریال «حواست باشه»، تهیه‌کنندگی و کارگردانی فیلم‌های کوتاه داستانی «گذشته» و «کودکی»، مستند «مهربان‌تر از مادر» و... از جمله دیگر کارهایی است که سلطانی در آن حضور داشته است. سلطانی اسامیل تهیه‌کنندگی اولین فیلم دوست و همکارش محسن جسور ـ شکار حلزون ـ را به‌عهده گرفته‌است. حضور این فیلم اجتماعی در بخش نگاه نو جشنواره فیلم فجر بهانه‌ای می‌شود که با سلطانی درباره شاخه‌ها و روند تولید این فیلم گفت‌وگو کنیم که در ادامه از نظر می‌گذرانید.

شکار حلزون چه شاخه‌ها و ویژگی‌هایی داشت که شما را مجاب به تهیه‌کنندگی کرد؟

من از سال ۸۶ نزدیک به ۱۶ سال با محسن جسور ـ کارگردان ـ رفاقت و همکاری دارم و علاوه بر این، نویسنده فیلمی که ساختم چراغ‌های ناتمام بود. بنابراین، دلیل اصلی انتخاب این کار برای تهیه‌کنندگی سابقه رفاقت و همکاری من با محسن جسور بود. موضوع فیلم به‌گونه‌ای است که به یک معضل اجتماعی می‌پردازد و از نگاه خیلی شریف و انسانی است و دیدگاه کارگردان نسبت به آنچه در فیلم مطرح می‌کند، درست و حداقل قابل بررسی است و جزو کارهایی محسوب می‌شود که امکان به نتیجه‌رساندن آن وجود دارد.

با توجه به نوع و ساختار فیلم که تجاری نیست، هنگام سرمایه‌گذاری به خطرات آن هم فکر کردید یا خیر؟

به‌عهده گرفتن تهیه‌کنندگی کارهایی مانند شکار حلزون چندان سودآور نیست. ماهمه تلاش مان را انجام می‌دهیم که در اکران هنر و تجربه و فروختن رایت‌ها در تلویزیون و نمایش خانگی هزینه تولید فیلم را تأمین کنیم. در واقع نگاه ما نسبت به کاری که می‌خواستیم

مصطفی سلطانی، تهیه‌کننده «شکار حلزون»:

شکار حلزون

یک فیلم فرهنگی است

فیلم‌های فیلمسازانی که چندمین تجربه حضورشان براساس تجربه خیلی سخت به کارهایی از جنس شکار حلزون نوبت اکران می‌دهند، چون بازیگرهایی به معنا و مفهوم چهره و ستاره ندارند یا کم دارد و این باعث می‌شود در گیشه پخش‌کننده چندان رغبت نکنند. امیدوارم در جشنواره اتفاقاتی برای فیلم بیفتد که پخش‌کننده هم دوست داشته باشد فیلم را پخش کند. به هر حال، فیلمساز از هر نظر پیش از هر چیزی دوست دارد مردم فیلمش را ببینند و حالا هر قدر بیشتر دیده شود، طبعاً اتفاقات بهتری پس از آن هم می‌افتد.

در گذشته پخش فیلم اولی‌ها سه سیم‌رغ داشت یکی به فیلم، یکی به کارگردانی و یکی هم به دستاورد فنی تعلق می‌گرفت. نمی‌دانم اسامیل شکل دریافت جایزه چگونه است و دودارور شنیدم که قرار است یک جایزه کارگردانی دریافت کند و بسنگی دارد تعداد جایزه‌ها چقدر باشد، اما باز باید پیش برویم تا ببینیم چه اتفاقی می‌افتد. در این فیلم فرنز از راکه اولین کارش در نقش اصلی بود شایسته دریافت جایزه می‌دانم؛ چون خیلی خوب و ویژه بازی کرد. شاید در زندگی سینمایی هر بازیگری فقط یک بار این اتفاق بیفتد که بگویند فلانی نقشش را به شیوه‌ای بازی کرده که شایسته دریافت جایزه شده است. امیدوارم اگر قرار است اتفاقی بیفتد برای بازیگر و فیلمبردارمان باشد؛ البته باز هم تا بقیه فیلم‌ها را نبینیم، نمی‌توانیم قضاوت کنیم.

همکاری با حسین پاکدل و فرنز زوفا به‌عنوان بازیگران اصلی چطور اتفاق افتاد و چه سختی‌هایی در روند تولید فیلم متحمل شدید؟

در فرآیند ساخت شکار حلزون کوچک‌ترین حمایتی در حد نامه‌ای از یک جای دولتی هم نداشتیم و به شکل کاملاً خصوصی تولید شده است. این موضوع باعث می‌شد در تأمین منابع و جمع‌کردن بازیگران مشکلاتی داشته باشیم. تمام بازیگران حاضر در این کار از جمله حسین پاکدل و مرحوم حسام محمودی خیلی همدلی داشتند و همین موجب شد عوامل پشت و جلوی دوربین دست به دست هم بدهند تا کار ساخته شود. امیدوارم زحمت بچه‌هایی که بادل‌شان و نه برای دستمزد کار کردند، دیده شود و اتفاقات خوبی برایش بیفتد.

با توجه به این‌که فیلم‌های جشنواره براساس سیاست‌هایی که سال گذشته و هم به آن اشاره شد در اولویت اکران است، فکرمی‌کنید چقدر فیلم‌تان گیشه دارد؟ اصلاً به گیشه هم فکرمی‌کنید؟



برش

جشنواره فرصتی برای فیلم‌اولی‌ها

۱۱ سال هاست جشنواره فیلم فجر برگزار می‌شود، فکرمی‌کنید این جشنواره چه تأثیری روی مسیر سینمای ایران گذاشته و حضور فیلمسازان اول در کنار فیلمسازان حرفه‌ای چقدر روی جریان سینما تأثیرگذار بوده است؟

جشنواره از این نظر که فیلم فیلمساز دیده می‌شود، یک فرصت است؛ یعنی یک موقعیت برابر برای تمام فیلم‌ها قائل می‌شوند که همه به یک اندازه قابلیت تبلیغ، دیده شدن و برخورداری از سانس را دارند. این دقیقاً نقطه مقابل اکران است که هیچ عدالتی در آن وجود ندارد.

درنگ



یادداشت محسن جسور، کارگردان فیلم «شکار حلزون»

ساخت فیلم اول سخت‌ترین قدم هر فیلمساز است

«شکار حلزون» درباره آسیب‌ها و مصائبی هست که خانواده‌های زندانی متحمل می‌شوند اما همچنان شریف زندگی می‌کنند. همیشه برای این موضوع که اخلاق فراتر از هر چیزی است اهمیت داشته و جزو دغدغه‌هایم محسوب می‌شود و خودم هم سعی می‌کنم رعایت نمایم. ما وقتی تفکر توحیدی داریم، هر کاری و هر چیزی را نمی‌توانیم بگوییم و بر زبان بیاوریم. مایل به تعریف قصه‌ام نیستم و فقط همین دیالوگ از فیلم را بیان می‌کنم که دکتر به منو می‌گوید: «وقتی آدم پدر میشه حق نداره هر کاری رو بکنه.» ساخت فیلم اول سخت‌ترین قدم هر فیلمساز است، چون تنهایی؛ در سینمای مستقل تنهاتر. به‌قدری تنها که همین الان برای انجام مسائل فنی فیلم تنهایی از دفتر تدوین به دفتر صداگذار، اتانولاز و لابراتوار برای خروجی و سایر کارها می‌روم و دیشب برای تماشای آخرین خروجی در یکی از سینماها یا چند نفر از همکاران رفته و همه هزینه‌های پذیرایی به عهده خودم بود.

در حال حاضر به چیزی جز ارتباط مخاطب با فیلمم فکر نمی‌کنم و بعد از جشنواره امیدوارم مسیر برای اکران فیلم هموارتر شود. برایم ارتباط مخاطب با فیلم بیشتر اهمیت دارد که مطمئنم این اثر را دوست خواهند داشت.

آقای پاکدل بزرگوار به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی در فیلم حکم استادی بر گردن من دارد.

ایشان را از دوران نوجوانی و زمانی که رئیس تئاتر شهر بود و سال ۷۹ در سالن قشقایی تئاتر اجرا می‌کردم به یاد می‌آورم.

ویژگی‌های شخصیتی مثل نظم، اهل مطالعه بودن و کاریزما باعث شد به آقای پاکدل پیشنهاد این نقش را بدهیم و ایشان با مطالعه فیلمنامه و اعتماد به بنده پذیرفت. همچنین مرحوم حسام محمودی را در چند فیلم دیده بودم و بعد از سریال «شکوه زندگی» و «گرومیش» خیلی مشتاق بودم با ایشان کار کنم که قسمت شد. خانم فرنز زوفا را اولین بار در فیلم «سوختن» بهرنگ توفیقی و بعد در فیلم «نیمه‌شب اتفاق افتاد» خانم پاکروان دیدم. یک سریال با ایشان کار کرده بودم و در نهایت بعد از چند گزینه برای نقش منو که نتوانستند به پروژه ما برسند، خانم زوفا انتخاب شد و انصافاً در زمان کم خیلی

درخشان با کار همراه شد... زمانی کمتر از دو هفته تا کلیدزدن فیلم ایشان را انتخاب کردیم. بعدها در سریال «در کنار پروانه‌ها» با او همکاری کردم و توانایی‌اش در بازیگری هرکسی را مجاب می‌کند که با ایشان کار کند.

به هر حال اگر فیلم حرفی برای گفتن داشته باشد، جشنواره یک فرصت است که درباره آن صحبت یا یادداشتی نوشته شود. وقتی هم این اتفاق نیفتد، معلوم می‌شود فیلم حرفی برای گفتن ندارد. درباره تأثیر جشنواره فیلم فجر روی مسیر سینمای ایران، می‌توانم بگویم به دلیل این‌که سابقه حضورم در جشنواره فجر به زمان گذشته برمی‌گردد، به نظرم در سال‌های دور تأثیر جشنواره بیشتر بود؛ یعنی فیلمی که معمولاً جایزه بهترین فیلم یا کارگردانی را دریافت می‌کرد، نقطه‌ای را در سینما قرار می‌داد که سال بعد فیلمسازان با آن نگاه و رویکرد فیلم می‌ساختند، اما در سال‌های اخیر این مسأله کم‌رنگ‌تر شده و شاید به این دلیل باشد که فیلم شاخصی در این زمینه نداشته باشیم. تمام این اتفاق‌ها از جشنواره فیلم فجر کلید می‌خورد و اگر جشنواره باید در این رابطه سیاستی اتخاذ کند و ندارد، نکته دیگری است. وقتی سیاست‌ها کلی باشد، مزیت آن این است که همه دیدگاه‌ها و سلیقه‌ها در جشنواره هستند و نقطه ضعفش هم این است که جشنواره چندان تخصصی نیست. اگر سیاست جشنواره دقیق‌تر باشد، تأثیر آن روی سینما دقیق‌تر و کامل‌تر است.